4شنبه 2/7/1404-1ربیع الثانی 1447 -24سپتامبر 2025- فقه الاداره – فقه معاصر – درس 11 فقه روابط سازمانی – روابط چهار جانبه – رابطه با خدا – ادای حق خدا – عبودیت خدا – دنو به خدا –

 **مسئله‌ی 11: کارمندانی که وظائف سازمانی خود را به خوبی و کامل انجام می‌دهند هرچه احساس کم‌کاری و دوری از خدا کنند به خدا نزدیک‌ترند**

معلوم شد که کارکنان سازمان در کلیه‌ی ارتباطات سازمانی با هم‌کاران و در هر انجام وظیفه با مشارکت آنان و دستور دادن و گرفتن باید قصد قرب به خدا را داشته باشند، رضای او را در نظر بگیرند و همکاران را مؤثر در سرنوشت سازمانی خود ندانند. و این ملهم از تأویل حرف دوم عبد به معنای «بون عمن سوی الله» است که فرمایش امام صادق  در *مصباح الشریعة* است؛ کما این‌که حرف اول عبد علم به خدا یعنی خداشناسی موقنانه بود و در این نوبت مسئله‌ی دنو و قرب عبد به خدا را بحث می‌کنیم، من‌جمله عبد خدا در سازمانی در قالب کارکنان.

مراد از دُنُو چیست؟ اولاً می‌توان علم به خدا را شرط عبودیت و بون را رفع مانع ارزیابی کرد و دنو اثر مقتضی است؛ یعنی عبد مقتضی عبودیت است و تأثیر این مقتضی بعد از وجود شرط علم و نبود مانع قرب به ناس است که اثر مقتضی یعنی دنو حاصل می‌شود که همان قرب به خداست. قرب اساس عبودیت است که در نیت عبد حین هر فعلی از جمله فعل سازمانی باید لحاظ شود که واجبات تعبدی را تقوّم می‌بخشد و مبنای ما در اصول آن شد که در سازمان، توصلیات هم سزاوار اکید است که با نیت قرب انجام شوند؛ قرب به مقام ربوبی که مقام تدبیر امور است و همه‌ی کارکنان باید قرب به او را لحاظ کنند و فعل اثربخش فعل نزدیک‌کننده و مقرِّب به ساحت اوست، لقوله تعالی: ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ.[[1]](#footnote-1) در این آیه دنو اولیه است و دنو نهایی که ادنی است؛ یعنی نزدیک‌ترین که اولی آغاز عبادت است و دومی پایان آن که فرآیند دنو و قربِ عبد را به رب نشان می‌دهد. بر این اساس، دنو دارای درجات است و یک فرآیند و یک جریان است، یک‌باره نیست، باید دائم در جریان دنو قرار گرفت با سیر عبودیت (بعد از علم و بون) و سپس به جریان دنو رسید و نزدیک و نزدیک‌تر شد. در این مسیر هرچه ذلیل‌تر باشیم، دانی‌تر هستیم تا به بیش‌ترین دنو می‌رسیم. کلید قرب این است که خود را دورتر بدانم. هرچه در هر گام و اقدام و عمل سازمانی دورتر بدانم، آن‌گاه است که در واقع امر دارم نزدیک‌تر می‌شوم، لقوله تعالی «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ».[[2]](#footnote-2) یعنی سابقون کسانی هستند که در عین این که تمام وظیفه و تکلیف خود را انجام می‌دهند (مثل عمل سازمانی)، دلشان لرزان است که وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام نداده‌اند و به سوی محکمه‌ی ربوبی بر‌می‌گردند و باید پاسخ کم‌کاری و بی‌وظیفگی خود را بدهند. هرچه حالات ناکامی و نادمی در جریان دنو بیش‌تر باشد، به قرب بیش‌تری دست می‌یابیم. نه این‌که احساس کنیم که هر لحظه نزدیک‌تر شده‌ایم که اتفاقاً دورتر شده‌ایم، ولی نیت ما در اعمال و وظائف، قرب است رجائاً، ولی احساس بعد می‌کنیم نه قرب، فافهم. این از سوی عبد است و کارمند، ولی از سوی رب که مدبر عالمین است، خود را قریب بلکه اقرب به عبد می‌داند، لقوله تعالی: «إنّی قریب»[[3]](#footnote-3) و «أقربُ إلَیکُم مِن حَبلِ الوَریدِ». این است داستان عبد و رب در جریان قرب و دنو، فافهم و تدبّر.

تفقه: اطلاق عبد شامل عبد کارمند و کارگزار هم می‌شود که مربوب رب است که مدبر اصلی هستی است. طبق ادله‌ی فوق قرب و دنو کارمند به مدیرکل هستی به این است که در هر عمل سازمانی قصد قربت می‌کند، ولی هیچ‌گاه خود را نزدیک به کمال نمی‌بیند، زیرا تنها کسب کمال عبادت است و تقوم عبادت به قصد قرب است، قربی که در هیچ مرحله احساس آن را نمی‌کند و در همین حالت است که در حال قرب است نزد خدای رب العالمین نه نزد خودش.

فتحصل که کارمنداني که وظائف سازمانی خود را به خوبی و کامل انجام می‌دهند، هر چه احساس کم‌کاری و دوری از خدا بکنند، به خدا نزدیک‌ترند.[[4]](#footnote-4)

1. النجم: 8 و 9. «تدلّی» از ماده‌ی تدلى (بر وزن تجلى) به گفته‌ی راغب در *مفردات* به معنى نزديك شدن است. بنا بر اين، تأكيدى است براى جمله‌ی «دنى» كه قبل از آن آمده، و هر دو به يك معنى است، در حالى كه بعضى در ميان اين دو تفاوت قائل شده‏اند و گفته‏اند تدلى به معنى وابستگى و تعلق و آويزان شدن است، هم‌چون وابستگى ميوه به درخت، لذا به ميوه‏هايى كه از درخت آويزان است «دوالى» مى‌گويند. «قاب» به معنى اندازه است و «قوس» به معنى كمان. بنا بر اين «قاب قوسين» يعنى به مقدار «طول دو كمان» (كمان يكى از سلاح‌هاى قديم براى تيراندازى بوده است). بعضى «قوس» را از ماده‌ی «قياس» و به معنى مقياس دانسته‏اند، و چون مقياس عرب اندازه‌ی ذراع (فاصله‌ی نوك انگشتان تا آرنج) بوده، بنا بر اين قاب قوسين به معنى دو ذراع مى‏شود. در بعضى از كتب لغت قاب به معنى ديگرى ذكر شده و آن فاصله‌ی ميان محلى از كمان كه به دست مى‏گرفتند تا نوك برگشته‌ی كمان (كمان‌ها به صورت قوسى شكل بود كه دو انتهاى آن برگشته بود).‏ [↑](#footnote-ref-1)
2. وَ الَّذينَ يُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلى‏ رَبِّهِمْ راجِعُونَ. (المؤمنون: 60) و كسانى كه نهايت تلاش و كوشش را در انجام اطاعات و اداء حقوق مردم و حق پروردگار دارند، اما با اين حال خود را مقصر مى‏دانند و دل‌هايشان ترسان است از اين‌كه سرانجام به سوى پروردگارشان باز مى‏گردند. اينان همچون افراد كوته‏فكر و دون‌همت نيستند كه با انجام يك عمل كوچك خود را از مقربان درگاه خدا پندارند و چنان حالت عجبى پيدا كنند كه همه را در برابر خود كوچك و بى‌مقدار ببينند، بلكه اگر برترين اعمال صالح را انجام دهند، عملى كه معادل تمام عبادت انس و جن باشد على‏وار مى‏گويند: آه من قلة الزاد و بعد السفر، آه از كمى زاد و توشه و طولانى بودن سفر آخرت. بعد از شرح اين صفات چهارگانه مى‏فرمايد: چنين كسانى هستند كه در خيرات سرعت مى‏كنند و از ديگران پيشى مى‏گيرند (أُولئِكَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ‏). أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ. (مؤمنون: 55-61) [↑](#footnote-ref-2)
3. وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادي عَنِّي فَإِنِّي قَريبٌ أُجيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْيَسْتَجيبُوا لي‏ وَ لْيُؤْمِنُوا بي‏ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (البقرة: 186)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ. (ق: 16)

وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لكِنْ لا تُبْصِرُونَ. (الواقعة: 85) [↑](#footnote-ref-3)
4. درس 11 *فقه الروابط* از سلسله‌ی *فقه الاداره*، 1 شهر ربیع الثانی 1447. [↑](#footnote-ref-4)